




## Investigating the Relationship between Intercultural Communication and National Identity: A Case Study of Youth in Kabul and Bamiyan Cities, Afghanistan\*

 10.22034/CDRJ.2025.480114.1018

**Mohammad Mohsen Hassanpour**

Assistant Professor and Faculty Member, School of Social and Behavioral Sciences, Ahlul Bayt International University, (Correspondence Author), Tehran, Iran


m.hassanpour@abu.ac.ir

 0009-0002-4616-4476

**Ali Asghar Haeri-Mehrzi**

Instructor and Faculty Member, Health Sciences Research Center, Jihad University, Tehran, Iran


a.haeri@acecr.ir

 0000-0002-3671-2849

**Abdulhalim Waezi**

Master of Social Communication Sciences, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran

abdulhalimwaizy@gmail.com

 0009-0006-4444-6989

### ABSTRACT

The issue of national identity is one of the most important governance especially in societies composed of various ethnicities and cultures. The aim of the present research is to examine the impact of intercultural communication on the strengthening/weakening of national identity. The theoretical framework of this study is based on Hofstede's cultural dimensions theory, which helps in understanding cultural differences. This research employs a quantitative-survey method to investigate the relationship between intercultural communication and national identity among the youth in the cities of Kabul and Bamyan. To conduct the study, a researcher-made questionnaire with 53 items was designed, divided into three sections: intercultural communication, national identity, and ethnic identity. This questionnaire was made available online to the sampled population. The sample size was determined to be 384 individuals using Morgan's table and Cochran's formula. The data were analyzed using SPSS software. Frequency tests were used to describe demographic information, regression tests were used to determine the relationships between variables, and t-tests were employed to compare the mean scores of the variables. The findings of the research indicate that there is a significant and direct relationship between intercultural communication and national identity, meaning that with an increase of one unit in the intercultural communication score, the national identity score increases by 0.437%. Furthermore, a significant and inverse relationship was found between intercultural communication and ethnic identity. Additionally, there is a significant and direct relationship between ethnic identity and national identity.



Received: 30/09/2024  
Accepted: 04/03/2025

### Keywords:

Intercultural Communication, National Identity, Ethnic Identity, Youth, Afghanistan.



\*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

## بررسی رابطه ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی مطالعه موردی: جوانان شهرهای کابل و بامیان\*

doi: 10.22034/CDRJ.2025.480114.1018

محمد محسن حسن پور

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، (نویسنده مسئول)، تهران، ایران  
m.hassanpour@abu.ac.ir

0009-0002-4616-4476

علی اصغر حائری مهریزی

مربی و عضو هیئت علمی، پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

a.haeri@acecr.ir

0000-0002-3671-2849

عبدالحلیم واعظی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران

abdulhalimwaizy@gmail.com

0009-0006-4444-6989



### چکیده

مسئله هویت ملی از جمله مهم‌ترین مسائل حکمرانی و موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی به‌ویژه در جوامعی است که از اقوام و فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده‌اند. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر ارتباطات میان فرهنگی بر تقویت/تضعیف هویت ملی است. چهارچوب نظری تحقیق حاضر نظریه ابعاد فرهنگی هافستد برای درک تفاوت‌های فرهنگی است. در این تحقیق با روش کمی - پیمایشی رابطه ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی در میان جوانان شهرهای کابل و بامیان بررسی شده است. شهر کابل از نظر حضور و تعامل اقوام مختلف، و شهر بامیان از جهت بافت بومی آن می‌توانند مورد مقایسه قرار گیرند. برای انجام تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته دارای ۵۳ گویه و سه بخش شامل ارتباطات میان فرهنگی، هویت ملی و هویت قومی طراحی و به صورت آنلاین در دسترس نمونه آماری قرار گرفت. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمون‌های فریکونسی برای توصیف اطلاعات جمعیت‌شناختی و آزمون رگرسیون برای تعیین رابطه بین متغیرها و همچنین آزمون تی برای مقایسه میانگین نمرات متغیرها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میان ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان فرهنگی نمره هویت ملی به اندازه ۰/۴۳۷ درصد افزایش می‌یابد. همچنین بین دو متغیر ارتباطات میان فرهنگی و هویت قومی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. بین هویت قومی و هویت ملی نیز رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

واژگان کلیدی:

ارتباطات میان فرهنگی،  
هویت ملی، هویت  
قومی، جوانان، کابل و  
بامیان، افغانستان.



\* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

<https://cdrij.icro.ir>

## مقدمه

در دنیای امروزی که فرایند جهانی شدن به سرعت در حال گسترش است، ارتباطات میان فرهنگی به یکی از مهم ترین جنبه های زندگی انسانی تبدیل شده است. این ارتباطات نه تنها در سطح فردی و اجتماعی بلکه در سطح ملی و بین المللی نیز تأثیرات گسترده ای دارد. بررسی نسبت ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا این دو مؤلفه به طور مستقیم بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و در شکل گیری و تحول جوامع نقش حیاتی و مؤثر دارند.

هویت ملی، به عنوان یکی از ارکان اساسی هر جامعه، شامل مجموعه ای از باورها، ارزش ها، سنت ها و تاریخ مشترک است که اعضای جامعه را به هم پیوند می دهد (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۳). این هویت به افراد احساس تعلق و همبستگی می بخشد و در نهایت به تقویت انسجام اجتماعی در جوامع کمک می کند. از سوی دیگر، ارتباطات میان فرهنگی فرصتی را فراهم می آورد تا افراد و جوامع با فرهنگ های متفاوت آشنا شوند و از تجربه ها و دانش های متنوع بهره مند شوند. تعاملات فرهنگی می تواند به تقویت هویت ملی کمک کند.

هدف از این تحقیق بررسی نسبت ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی و تحلیل فرصت ها و چالش هایی است که این نوع ارتباطات برای جوامع به همراه دارند. با توجه به پیچیدگی های موجود در این حوزه، نیاز است با نگاه دقیق تری به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پردازیم و راهکارهای مناسبی برای مدیریت بهتر این گونه ارتباطات و حفظ و تقویت هویت ملی ارائه دهیم.

در تحقیق حاضر نمونه آماری از میان جوانان شهرهای کابل و بامیان بنا بر تفاوت های فرهنگی و جمعیتی که در این دو شهر وجود دارد انتخاب شده است. همچنین به نقش پررنگ آن ها در تعاملات اجتماعی و فرهنگی که در معرض طیف وسیعی از عقاید، ارزش ها و رفتارها از فرهنگ خود و دنیای جهانی شده قرار می گیرند، توجه شده است. این مواجهه می تواند تأثیر عمیقی بر درک آن ها از هویت ملی داشته باشد. از سوی دیگر ارتباطات میان فرهنگی می تواند به

جوانان این شهرها کمک کند تا غنا و تنوع میراث فرهنگی خود را کشف و آن را حفظ و نگهداری کنند و با استفاده از آن حس غرور و ارتباط با هویت ملی‌شان را تقویت کنند.

## ۱. بیان مسئله

ارتباطات میان‌فرهنگی فرایندی از تغییر افکار و معانی بین افراد از فرهنگ‌های مختلف است (سعیدی، ۱۴۰۱: ۱۳۷). ارتباطات میان‌فرهنگی زیرمجموعه‌ای از فرهنگ و ارتباطات پایه و اساس جوامع انسانی به شمار می‌رود. یکی از مسائل مهم در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی بررسی چندگونگی فرهنگی در جوامع و تأثیرات آن بر ارتباطات اجتماعی و نیز چگونگی سامان بخشیدن به آن در مسیر اهداف مشترک اجتماعی است. در واقع، دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم با معیارهای چندقومی فزاینده مربوط به جامعه بشری احاطه شده است (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۵). ارتباطات میان‌فرهنگی بدون تردید بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه رشد پیدا می‌کند. همچنین این گونه ارتباطات اجتماعی اغلب در سطح نخبگان و توده‌های مردم اتفاق می‌افتد. ارتباطات میان‌فرهنگی هرازگاهی همچون پلی است بین فرهنگ‌هایی که با هم در تماس نیستند (سعیدی، ۱۴۰۱: ۳۹). گسترش ارتباطات میان‌فرهنگی سبب افزایش آگاهی‌های فرهنگی میان اعضای گروه‌های فرهنگی و قومی و آشنایی با اشتراک‌ها و تفاوت‌های آنها می‌شود. ارتباطات فرهنگی کارآمد متناسب با شرایط جامعه چندقومیتی افغانستان عامل وحدت و همبستگی ملی شناخته می‌شود. دستیابی بر تفاهم مشترک میان اقوام ساکن در افغانستان نیاز به آشنایی با اشتراک‌های فرهنگی و همان‌طور گریز از تمایزات ویران‌گراییانه دارد. چه بسا، تکثر فرهنگی در قالب ارتباطات اجتماعی ناکارآمد، تهدید بالقوه‌ای برای وحدت یک جامعه به شمار می‌آید (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۷).

ازسوی دیگر هرگونه تلاش برای بازسازی هویت فردی یا گروهی بازگشت به اصل است و این بازگشت به اصل مشخص‌کننده هویت آن فرد یا گروه است. هویت یک ملت در درجه نخست بحثی جغرافیایی و سیاسی بوده که به چگونگی پیدایش و بقای ملت ارتباط دارد (بخشایش، ۱۳۹۰: ۲). هویت ملی در افغانستان، همواره یکی از مسائل مهم و در خور توجه

محسوب می‌شود چراکه تفاوت‌های زبانی، قومی، فرهنگی و مذهبی افراد در افغانستان از یک‌سو و شباهت‌های قومی، مذهبی و زبانی اقوام این سرزمین با اقوام کشورهای مجاور از سوی دیگر و همچنین چالش جنگ، پراکندگی و ویرانی در افغانستان موجب شده است تا هویت ملی به صورت درست و کامل در این قلمرو شکل نگیرد (مساوات و دیگران، ۱۳۹۷: ۳).

کشورها برای حفظ اتحاد و انسجام ملت خود که از ملزومات ایجاد امنیت در جامعه است و نیز پیگیری اهداف و سیاست‌هایشان، ناگزیرند بر هویت یکپارچه ملی تأکید کنند. تحقق این یکپارچگی به مدد تاریخ، فرهنگ، سنت‌ها و علایق و تعلق‌های مشترک امکان‌پذیر است؛ باین حال هویت ملی در جامعه افغانستان که زیستگاه فرهنگ‌های متنوع و اقوام مختلف از ادوار گذشته تا به امروز بوده است و تحولات سیاسی و اجتماعی فراوانی را شاهد بوده است، به طور مطلوب تکوین نیافته است. هنوز تحقیقات کافی درباره ارتباطات میان فرهنگی میان اقوام ساکن در افغانستان با آنکه بعضی از آنان از نظر مناسبات مذهبی و زبانی مشترکات فراوانی داشته‌اند، انجام نشده است. از این جهت پژوهش حاضر گامی نخست در بررسی رابطه ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی در جامعه افغانستان است؛ بنابراین پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. چه رابطه‌ای بین ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی جوانان شهرهای کابل و بامیان وجود دارد؟
۲. چه رابطه‌ای بین ارتباطات میان فرهنگی و هویت قومی جوانان استان‌های کابل و بامیان وجود دارد؟
۳. چه رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی جوانان شهرهای کابل و بامیان وجود دارد؟
۴. ارتباطات میان فرهنگی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟
۵. هویت ملی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟
۶. هویت قومی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟

## ۲. تعریف مفاهیم

### ۲-۱. فرهنگ

فرهنگ انسان‌ساخت است، توسط دیگران تأیید، متداول و رایج می‌شود. فرهنگ برای مردم زمینه معنی‌داری فراهم می‌آورد تا در آن با یکدیگر ملاقات کنند و در مورد خود فکر کنند و با جهان دیگران روبه‌رو شوند. همچنین یک سیستم مشترک معانی تعیین می‌کند که به چه چیزی توجه کنیم، چه کاری انجام دهیم و به چه ارزش دهیم (هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۳۹). فرهنگ می‌تواند نقش عمده‌ای در پیدایش حس برتر در انسان‌ها داشته باشد و ادراک انسان را از اینکه چه کسی است و به کجا می‌رود شکل می‌دهد (دادگران، ۱۳۹۶: ۵۸). /دوارد تایلور<sup>۱</sup> مردم‌شناس انگلیسی در کتاب فرهنگ ابتدایی<sup>۲</sup>، فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، قوانین و مقررات، آداب‌ورسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه فرامی‌گیرد و در قبال آن تعهداتی به عهده دارد» (محسنی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). فرهنگ در علوم اجتماعی معادل واژه کالچر<sup>۳</sup> است که در اصل به معنای کشت‌وکار، آباد کردن، کاشتن و بارور کردن زمین است که به‌تدریج مفهوم آن تغییراتی یافت و در ادبیات و علوم در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی به معنی پرورش روانی و معنوی به کار برده شد و بعدها به‌عنوان پیشرفت فکری و اجتماعی انسان و جامعه جهت تبیین سیر تاریخی و تکاملی و پیشرفت جوامع انسانی معنا یافت (کوش، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵). امروزه فرهنگ از حالت تبعی و عرضی درآمده و از پاره‌ای جهات خصلت زیربنایی گرفته است. اهمیت فرهنگ در قرن بیست‌ویکم به حدی است که عده‌ای آن را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌دانند و برخی نیز از ظهور قاره ششم با عنوان فرهنگ یاد می‌کنند (دارابی، ۱۳۹۹: ۱۸۹).

### ۲-۲. ارتباطات

نخستین کسی که به تبیین مفهومی این عنصر مهم زندگی بشری پرداخت، ارسطو<sup>۴</sup> فیلسوف

1. Edward. Barent. Taylor
2. Primitive Culture
3. Culture
4. Arastoo

یونانی بود که ۲۳۰۰ سال پیش در کتاب «مطالعه معانی بیان (ریطوریکا)» دست به تبیین این مفهوم زد. به عقیده برخی صاحب‌نظران ارسطو نخستین دانشمندی است که برای ارتباط، شبیحی از یک مدل ارائه کرد (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۳۵۷). در تعریفی کلی تمامی کارهای لازم برای تأثیرگذاری ذهنی بر ذهن یا اذهان دیگر، تبادل یا اشتراک اطلاعات، سعی در تفاهم معانی مشترک و فهم متقابل معانی مورد نظر فرستنده پیام را می‌توان نوعی ارتباط دانست (Barbara & Brabara, 1986: 23). چارلز کولی<sup>۲</sup> دانشمند جامعه‌شناس امریکایی ارتباط را چنین تعریف کرده است: «مکانیسمی است که روابط انسانی براساس و به وسیله آن به وجود می‌آید و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آن‌ها در مکان و زمان بر پایه آن توسعه پیدا می‌کند. ارتباط، حالات چهره، رفتارها، حرکات، طنین، صدا، کلمات، نوشته‌ها، چاپ، راه‌آهن، تلگراف، تلفن و تمام وسایلی که در راه غلبه بر مکان و زمان ساخته شده‌اند همه را دربرمی‌گیرد» (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۲۸). همچنین هارولد لاسول<sup>۳</sup> ارتباط را چنین تعریف می‌کند: «چه کسی چه چیزی را از چه مجرای به چه کسی و با چه تأثیری می‌گوید». مدل کلامی لاسول شاید یکی از اولین نمونه‌های مدل ارتباطی باشد که ارتباط را به‌مثابه فرایند در نظر گرفته است (ادمز، ۱۳۸۴: ۱۹). پژوهشگران ارتباطات، میان واژه ارتباط به معنای مفرد و واژه ارتباطات به معنای جمع، تفاوت قائل‌اند و کلمه ارتباطات را معمولاً به معنای وسایل و روش‌های ارتباطی، و ارتباط را به معنای فرایند انتقال پیام می‌دانند. این واژه در بیان صاحب‌نظران ارتباطات دارای تعاریف متعددی است. تعاریف اولیه‌ای که برای این مفهوم ذکر شده، بر حرکت خطی از منبع به گیرنده تأکید دارند؛ درحالی‌که مفهوم‌سازی‌های جدید از ارتباط، بر دوسویگی و اشتراک ادراک تکیه می‌کنند و آن را فرایندی دوسویه می‌دانند که در آن مبادله و اشتراک اطلاعات، نگرش‌ها، افکار یا عواطف رخ می‌دهد (دارابی، ۱۳۹۹: ۳۲).

۱. فن خطابه

2. Charles Cooley  
3. Harold Lasswell

### ۳-۲. ارتباطات میان فرهنگی

ارتباط میان فرهنگی، ارتباط میان مردمانی است که ادراکات فرهنگی و نظام نمادین آن به حدی از یکدیگر متمایز است که پدیده‌های ارتباطی را متفاوت جلوه می‌دهد (Samovar, 1995: 58). تعریف دیگری که از ارتباطات میان فرهنگی شده عبارت از این است که ارتباط میان فرهنگی در کلی‌ترین مفهومش زمانی رخ می‌دهد که عضوی از یک فرهنگ پیامی را برای دریافت توسط عضوی از فرهنگی دیگر ایجاد می‌کند. به طور دقیق‌تر ارتباط میان فرهنگی، ارتباط بین آن دسته از مردم است که ادراکات فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی مجزا هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند (فاضلی، ۱۳۹۶: ۱۹). ارتباطات میان فرهنگی به مفهوم عام شاخه‌ای از ارتباطات به‌طور مستقل یا شاخه‌ای از ارتباطات جهانی است که عهده‌دار بررسی و مطالعه ارتباطات و روابط میان دو فرهنگ، دو فرد از دو فرهنگ و مانند آن است. فرهنگ و ارتباطات سنگ‌بنای جوامع انسانی به شمار می‌روند. از آغاز خلقت و پیدایش انسان تاکنون، این دو ویژگی همراه جامعه انسانی و نوع انسان بوده و وجه تمایز او از دیگر موجودات قلمداد شده است (دارابی، ۱۳۹۹: ۲۲۵).

### ۴-۲. هویت ملی

هویت ملی مفهومی است که سعی می‌کند تعارض‌های موجود در هویت‌های گروهی را به‌نوعی کاهش دهد و آن‌ها را در هویتی بالاتر، یعنی هویت ملی، همگرا سازد؛ از این رو، به‌زعم برخی اندیشمندان، هویت ملی در نهایت جنبه غالب و مسلط دارد و سایر خرده‌هویت‌ها زیر آن قرار می‌گیرند (رضایی قادی، ۱۳۹۸: ۲). هویت ملی متشکل از دو واژه ملی و هویت است. واژه ملی اشاره به چهارچوب کشور و سطح ملی دارد و هویت در علوم انسانی و اجتماعی دلالت به پاسخ این پرسش دارد که هر فردی خود را چگونه تعریف می‌کند. هویت ملی نخستین شکل‌بندی دست‌یافتنی برای هر فرد است. مبتنی بر این دید، هویت ملی شالوده اصلی و مقدم بر سایر هویت‌هاست، چراکه از طریق همین هویت است که می‌توان از هویت‌های دیگر مطلع شد. هویت ملی به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی، نوزاد عصر جدید است که

ابتدا در اروپا شکل گرفت و در اواخر قرن نوزدهم به مشرق‌زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت (شاد، اسماعیلی و حسن‌زاده، ۱۴۰۱: ۵). «برخی از تعاریف هویت ملی بر عناصر یکپارچه‌کننده واحد سیاسی مستقل تأکید دارند و آن را مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی تعریف می‌کنند. برخی دیگر نیز بر جنبه روانی آن تأکید دارند. عده‌ای نیز مشترکات ملی و دل‌بستگی به آن را عنصر اصلی تعریف هویت ملی می‌دانند و آن را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قومی تعریف می‌کنند که زندگی انسانی را دربرمی‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد» (غفاری‌نسب، مساوات، قاسمی‌نژاد و علایی، ۱۳۹۵: ۳).

#### ۵-۲. هویت قومی

«به ویژگی‌های فرهنگی‌ای گفته می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم، احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن‌ها را منسجم می‌کند. هویت قومی در سطحی پایین‌تر از هویت ملی یا جامعه‌ای قرار دارد» (یازرلو و سوسرایلی، ۱۳۹۹: ۳). برخی دیگر از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند هویت قومی دلالت بر همگانی و یکسانی دسته‌ای از افراد دارد که دارای منشأ، سرنوشت، تجربه‌های تاریخی و احساس مشترک و در برخی موارد اقامت جغرافیایی مشترک هستند. برخی دیگر نیز آن را مفهومی می‌دانند که می‌تواند از عوامل نژادی، زادگاه، نمادی و فرهنگی متأثر باشد (مسعودنیا، کوشکی و کیانی، ۱۳۹۳: ۶). گروه‌های قومی به‌واسطه مجموعه‌ای منحصربه‌فرد از ویژگی‌های فرهنگی مثل زبان، دین، یا رژیم غذایی، تا حدی از سایر گروه‌ها متمایز می‌شوند. اعضای یک گروه قومی خودشان را اعضای اجتماعی قومی می‌دانند که ریشه‌ها و تجربه‌های تاریخی مشترکی دارند (گوررو، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

### ۳. پیشینه تحقیق

با بررسی‌هایی که پیرامون موضوع این تحقیق در پایگاه‌های اینترنتی و مجله‌های علمی و تحقیقی در دسترس انجام شده است، دریافتیم چندین تحقیق در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله با تمرکز بر ارتباطات میان‌فرهنگی و مسئله هویت در افغانستان انجام شده است، اما همان‌طور که در ادامه می‌آید بیشتر این تحقیقات با روش‌های کتابخانه‌ای و کیفی است و مستند به داده‌های کمی نیستند.

عبدالعلی فاضلی دانش‌آموخته رشته ارتباطات فرهنگی در مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، در تحقیق خود با عنوان «ارتباطات میان‌فرهنگی قوم هزاره و تاجیک در افغانستان» مجموعه اشتراک‌های اقوام هزاره و تاجیک را به‌ویژه در مؤلفه‌های اصلی هویت شامل زبان، دین تاریخ، سرنوشت مشترک، آداب و رسوم و غیره برمی‌شمارد و درعین حال با برشماری تفاوت‌های عمده میان این دو قوم شامل نژاد، لهجه، مذهب و برخی رسومات خاص می‌نویسد: «اصل پذیرش تفاوت‌ها و تحسین شباهت‌ها ایجاب می‌کند هویت فرهنگی قوم هزاره و تاجیک به‌درستی شناخته شود تا این سرمایه‌های فرهنگی در قالب ارتباطات درست و مؤثر به انسجام اجتماعی و توسعه فرهنگی بینجامد» (فاضلی، ۱۳۹۶: ۶).

عزیزالله هزاره در رساله کارشناسی‌اشدش با عنوان «مطالعه ارتباطات میان‌فرهنگی اقوام هزاره و پشتون در افغانستان» با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و نظریه ارتباطات بین‌قومی به‌عنوان چهارچوب نظری، ارتباطات فرهنگی میان اقوام هزاره و پشتون را از سه جهت بررسی کرده است: (۱) ارتباطات اقتصادی بین اقوام هزاره و پشتون؛ (۲) زمینه‌ها و فضای همگرایی و واگرایی میان اقوام پشتون و هزاره؛ (۳) ارتباطات فرهنگی بین اقوام پشتون و هزاره و سلطه فرهنگی پشتون‌ها بر هزاره‌ها. براساس نتایج این تحقیق:

۱. از منظر داخلی علت اصلی واگرایی بین اقوام هزاره و پشتون و عدم ارتباطات سالم میان آن‌ها عبارت است از: قوم‌گرایی، مذهب، زبان و سیاست‌های غیرمسئولانه کشورهای خارجی به‌ویژه همسایگان در امور داخلی افغانستان؛

۲. با توجه به اینکه اقتصاد افغانستان بیشتر متکی بر کشاورزی و دامداری بوده و هر منطقه و جغرافیای خاص بر اساس فرهنگ حاکم بر آن، تولیدات و کالاهای مخصوص خود را دارد، روابط اقتصادی اقوام ساکن در آن منطقه نیز بر اساس نیازها شکل می‌گیرد؛

۳. علل سلطه فرهنگی پشتون‌ها را چند چیز می‌توان به حساب آورد: قدرت، القای عدم توانایی سایر اقوام، و برتری نژادی و قومی (هزاره، ۱۳۹۷: ۶).

محمدباقر حسنی در تحقیق خود با عنوان «بحران هویت ملی در افغانستان و تأثیر آن بر سیاست خارجی آن کشور» با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و چهارچوب نظری ساختار - کارگزار به طرح این پرسش می‌پردازد که تأثیر بحران هویت ملی بر سیاست خارجی افغانستان چیست؟ وی می‌نویسد: «افغانستان در طول حیات سیاسی خود به دلیل وجود نخبگان سیاسی قوم‌نگر غیرملی و ساختار نظام سیاسی استبدادی قومی - قبیله‌ای، در سیاست خارجی دچار چالش‌های اساسی شده است از جمله فقدان نگاه ملی، فقدان پشتوانه قدرت ملی، منازعه داخلی و خارجی و وابستگی نخبگان سیاسی؛ از این رو سیاست خارجی افغانستان بیشتر متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ بوده که این امر سبب شده تا افغانستان در تعامل و روابط با کشورهای دیگر شاهد نوعی وابستگی یک‌سویه باشد» (حسنی، ۱۳۹۹: ۷-۶).

علی توانا در مقاله‌ای با عنوان «هویت‌های قومی و بحران هویت ملی در عصر جهانی شدن با تأکید موردی افغانستان» که با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است، معتقد است جهانی شدن به‌ویژه گسترش شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی پس از سال ۲۰۰۲ بسیاری از مرزها را فرو ریخت و باعث تقویت روحیه‌ای جمعی بر مدار منافع مشترک بین توده‌ها و تقابل آن با طبقه مسلط شد. شبکه‌های اطلاع‌رسانی که یکی از وسیله‌های جهانی شدن هستند، هویت‌های قومی را بیش از هر زمان دیگری برجسته ساخته‌اند. این برجسته و متمایزسازی که در گذشته همواره سرکوب و طرد شده است، به معنای تضاد در شکل‌گیری هویت ملی نیست، بلکه به‌نوعی اظهار وجود شهروندان و ادعای آن‌ها مبنی بر احقاق حقوق شهروندی‌شان است تا شهروندی برابر با دیگر شهروندان در نظر گرفته شوند. جهانی شدن فرصت بروز

هویتی برای این گروه‌هاست و آن‌ها در این معامله بده‌بستانی جهانی در سطح محلی و ملی آن سهمیم هستند و نقش فعال دارند (توانا، ۱۳۹۸: ۳-۴).

سورین تی زولیان<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «هویت ملی و ارتباطات بین‌فرهنگی درباره تجربه ارمنی‌ها از دیدگاه تاریخی» ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت ملی را چنین شرح می‌دهد: «هویت ملی ارمنی و الگوهای اصلی فرهنگی از طریق فرایندهای دائمی تبادل زبانی، تعامل بین‌قومی و ارتباطات بین‌فرهنگی شکل گرفته است. شاخه ارمنی مسیحیت اولیه شرقی یکی از معدود جوامع بازمانده و هنوز فعال است. تعامل دائمی با فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، ویژگی اصلی تجربه تاریخی مردم ارمنی است» (Zolyan, 2017).

لی و پراتو<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۱ در تحقیقی به تحلیل ثانویه هویت قومی و هویت ملی در تایوان پس از افول قدرت چین پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد خاطره‌های تاریخی و سیاسی نسبت به فرهنگ تایوانی میان افراد جامعه در مقابل فرهنگ چینی میان تمام گروه‌های قومی مورد مطالعه، افزایش چشمگیری داشته است و تقریباً همه افراد هویت تایوانی را معرف خود در تمام مسائل و موارد زندگی روزمره می‌دانند (Li and Pratto, 2011).

ساباتیر<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۸ در مطالعه‌ای با عنوان «هویت قومی و هویت ملی در میان نوجوانان نسل دوم مهاجر در فرانسه: نقش زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی» هویت فرهنگی را براساس دو نوع جهت‌گیری ملی و قومی با دو عنصر اکتشاف و تصدیق مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق با استفاده از مدل‌های زیست‌محیطی، نوسازی لایه‌های چندگانه‌ای از زمینه‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. وی تصدیق ملی و قومی را به‌عنوان دو گرایش مستقل در نظر گرفته است. نتایج این تحقیق برای درک فرایندهای هویت امیدوارکننده بوده است و در آن تمامی جنبه‌های محیط اجتماعی مانند گروه‌های همسالان و دوستان و درک تبعیض مهم پنداشته شده است، با این حال به نظر می‌رسد خانواده به‌ویژه والدین، بیشترین تأثیر را بر

1. Suren. T. Zolyan
2. Li and Pratto
3. Colette Sabatier

شکل‌گیری هویت نوجوانان دارند (Sabatier, 2008).

همان‌طور که پژوهش‌های مورد اشاره نشان می‌دهد مسئله شکل‌گیری و تکوین مؤلفه‌های هویت ملی در جوامع مورد توجه است. از سوی دیگر در جوامعی همچون افغانستان که رابطه دولت - ملت در حال تکوین است، این موضوع دوچندان اهمیت می‌یابد، زیرا بررسی عوامل مقوم یا تضعیف‌کننده هویت ملی هم از نظر پژوهشی و هم در عرصه سیاست‌گذاری اهمیت می‌یابد. در موضوع افغانستان چندین پژوهش، بیشتر با روش توصیفی و با هدف شناخت اشتراک‌ها و تفاوت‌های قومی انجام شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد رابطه هویت ملی و ارتباطات بین‌فرهنگی را با روش پیمایشی در جامعه افغانستان بررسی کند. گفتنی است درباره افغانستان پژوهش پیمایشی و با هدف شناخت عوامل مؤثر بر هویت ملی به‌ندرت انجام شده است و این پژوهش از جمله نخستین پژوهش‌ها در این حوزه است.

#### ۴. مبانی نظری

نظریه ابعاد فرهنگی که توسط گیرت هافستد<sup>۱</sup> توسعه یافته است، چهارچوبی است که برای درک تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع استفاده می‌شود. تحقیقات اصلی هافستد اغلب مورد استنادترین منبع توسط نظریه‌پردازان فرهنگی در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی است و بیشترین اثر را بر درک تأثیرات فرهنگ بر فعالیت‌های انسانی داشته است. او پژوهش خود را از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ در جایگاه روان‌شناس صنعتی در فرهنگ‌های ملی در مؤسسه تحقیقات همکاری‌های فرهنگی<sup>۲</sup> در آرنهم<sup>۳</sup> هلند<sup>۴</sup> انجام داد (هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۷۱). هافستد تأکید می‌کند توصیف یک فرهنگ ملی به این معنی نیست که هر کس در آن فرهنگ است لزوماً همان صفات فرهنگی را بروز می‌دهد. تجزیه و تحلیل هافستد از فرهنگ ملی برای توصیف الگوی میانه‌ای از باورها و ارزش‌ها استفاده می‌شود و البته واضح است که لزوماً همه افراد

1. Geert Hofstede
2. The Institute of Research on Intercultural Cooperation
3. Arnhem
4. Nederland

منطبق با این میانه نیستند. هافستد از طریق پرسش‌نامه‌های خود چهار متغیر کلیدی را تعیین می‌کند که تفاوت‌های ملی میان کارکنان دارای ملیت‌های مختلف شرکت‌های بی‌ام را مشخص می‌سازد:

■ شاخص فاصله قدرت؛

■ شاخص فردگرایی؛

■ شاخص مردانگی؛

■ شاخص اجتناب از عدم اطمینان (هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۷۳).

ارزش‌ها یا ابعاد فرهنگی هافستد چهارچوبی را فراهم می‌کند که جامعه‌شناسان از طریق آن می‌توانند تأثیرات فرهنگ را بر ارزش‌های اعضای آن و چگونگی ارتباط این ارزش‌ها با رفتار افرادی که در یک فرهنگ زندگی می‌کنند توصیف کند. خارج از جامعه‌شناسی، کار هافستد در زمینه‌هایی مانند روان‌شناسی بین‌فرهنگی، مدیریت بین‌المللی و ارتباطات بین‌فرهنگی نیز قابل استفاده است (McSweeney, 2002: 3). گیرت هافستد روشن کرد که چگونه تفاوت‌های فرهنگی در جهانی که روبه‌روز متنوع‌تر می‌شود قابل توجه است. از ابعاد فرهنگی هافستد می‌توان برای کمک به توضیح اینکه چرا برخی رفتارها در فرهنگ‌های مختلف کم‌ویش رایج هستند استفاده کرد؛ برای مثال، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی می‌تواند به توضیح اینکه چرا برخی فرهنگ‌ها بیش از دیگران بر دستاوردهای شخصی تأکید دارند کمک کند. از شاخص مردانگی در مقابل فمینیسم می‌توان به توضیح اینکه چرا برخی فرهنگ‌ها نسبت به سایرین رقابتی‌تر هستند کمک گرفت. و جهت‌گیری بلندمدت در مقابل جهت‌گیری کوتاه‌مدت می‌تواند به توضیح اینکه چرا برخی فرهنگ‌ها بیشتر بر آینده تمرکز می‌کنند تا حال، کمک کند.

■ **شاخص فاصله قدرت:** هافستد خاطر نشان می‌کند در برخی جوامع برابری نسبتاً بیشتری نسبت به سایر جوامع وجود دارد. افراد در جوامعی که فاصله قدرت بالایی دارند، سلسله‌مراتبی را می‌پذیرند که در آن همه افراد بدون نیاز به توجیه، در یک رتبه‌بندی جای

دارند. در این میان، جوامع با فاصله قدرت کم به دنبال توزیع برابر قدرت هستند. مفهوم این امر این است که فرهنگ‌ها روابطی را تأیید می‌کنند و انتظار دارند که بیشتر مشورتی، دموکراتیک یا برابری طلبانه باشند. در جوامعی که مقادیر شاخص فاصله قدرت توان پائینی دارند، تمایل به برابری بیشتری بین والدین و فرزندان وجود دارد؛ در همین حال، در جوامع با فاصله قدرت زیاد، والدین ممکن است از فرزندان انتظار داشته باشند بدون زیر سؤال بردن اقتدار، از آن‌ها اطاعت کنند. افراد دارای موقعیت بالاتر نیز ممکن است مرتباً نمایش آشکاری از تبعیت و احترام از زیردستان را تجربه کنند (Hofstede, 2011: 17).

■ **جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی:** فردگرایی و جمع‌گرایی به ترتیب به ادغام افراد در گروه‌ها اشاره دارند. جوامع فردگرا بر دستاوردها و حقوق فردی تأکید دارند و به نیازهای خود و خانواده نزدیک و وابستگی‌های اجتماعی‌شان اولویت می‌دهند. تصویر یک فرد از خود در این دسته به عنوان «من» تعریف می‌شود. در مقابل، جوامع جمع‌گرا به اهداف و رفاه گروه‌های بزرگ‌تر اهمیت بیشتری می‌دهند، به طوری که تصور افراد از خود در این دسته بیشتر شبیه «ما» است. در نهایت می‌توان گفت ارتباطات در جوامع فردگرا مستقیم‌تر است، اما در جوامع اجتماعی بزرگ‌تر غیرمستقیم‌تر است (Hofstede, 1980: 10).

■ **جهت‌گیری کوتاه‌مدت در مقابل بلندمدت:** این بُعد نشان می‌دهد افراد در یک جامعه تا چه حد به آینده و برنامه‌ریزی بلندمدت اهمیت می‌دهند. همچنین بُعد جهت‌گیری بلندمدت و کوتاه‌مدت به میزان تشویق فرهنگ‌ها به تأخیر در ارضای نیازهای مادی، اجتماعی و عاطفی اعضای خود اشاره دارد. جوامعی با جهت‌گیری‌های بلندمدت تمایل دارند به گونه‌ای بر آینده تمرکز کنند که موفقیت کوتاه‌مدت را به نفع موفقیت در بلندمدت به تأخیر می‌اندازد. این جوامع بر ویژگی‌هایی مانند پشتکار، صرفه‌جویی، پس‌انداز، رشد بلندمدت و ظرفیت سازگاری تأکید دارند. جهت‌گیری کوتاه‌مدت در یک جامعه، در مقابل، تمرکز بر آینده نزدیک را نشان می‌دهد که شامل موفقیت یا رضایت کوتاه‌مدت است و تأکید بیشتری بر زمان حال دارد تا آینده (Hofstede, 2011: 21).

## ۵. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق کمی - پیمایشی استفاده شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس برای جمع‌آوری داده‌ها و همچنین برای تعیین حجم نمونه از جدول کریسی و مورگان و فرمول کوکران استفاده شده که طبق آن حجم نمونه پژوهش حاضر ۳۸۴ نفر تعیین شده است، ولی پس از دریافت پاسخ‌های پرسش‌نامه توزیع شده، تعداد ۳۸۷ پاسخ دریافت شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در قسمت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته که شامل ۵۳ گویه و سه بخش ارتباطات میان‌فرهنگی، هویت ملی و هویت قومی می‌شود، استفاده شده است. روایی پرسش‌نامه در مرحله نخست (پایلوت) توسط ۳۶ نفر از جوانان شهرهای کابل و بامیان و همچنین اساتید همکار در این زمینه تأیید شد. پایایی پرسش‌نامه نیز پس از دریافت ۳۶ پاسخ ارائه‌شده توسط افراد مورد مطالعه، وارد نرم‌افزار SPSS شد و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقادیر ۰/۸۳۶ و ۰/۸۲۲ و همچنین ۰/۸۱۲ به ترتیب برای گویه‌های ارتباطات میان‌فرهنگی، هویت ملی و هویت قومی به دست آمد و پایایی پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت. در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد و از آزمون فریکونسی برای توصیف داده‌های جمعیت‌شناختی و از آزمون‌های رگرسیون خطی برای تعیین رابطه بین متغیرها و از آزمون تی برای مقایسه میانگین نمرات متغیرها استفاده شده است.

به علت وجود مشکلات امنیتی و اقتصادی در افغانستان، دومین سرشماری کامل کشور پس از سرشماری سال ۱۳۵۸ تاکنون صورت نگرفته است؛ از این رو جمعیت ساکن کشور به تفکیک واحدهای اداری، شهری، روستایی و جنس با در نظر داشتن موازین و تکنیک‌های علمی دموگرافیکی<sup>۱</sup> که دربرگیرنده ۳۴ استان (ولایت)، ۳۶۴ شهرستان (ولسوالی) و ۳۴ مرکز استان (ولایت) است، برآورد شده است.

کل جمعیت افغانستان در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۴/۹ میلیون نفر برآورد شده است که از آن

۱. Demographic: اصطلاحی جمعیت‌شناسی به معنای بررسی ویژگی‌های یک جمعیت مشخص

میان حدود ۱۷/۸ میلیون نفر (۵۱ درصد) مردان و ۱۷/۱ میلیون نفر (۴۹ درصد) زنان هستند. در سال ۱۴۰۲ از جمعیت ۳۴/۹ میلیون نفری افغانستان، ۲۴/۶ میلیون نفر (۷۰/۵ درصد) را جمعیت روستایی و ۸/۸ میلیون نفر (۲۵/۲ درصد) را جمعیت شهری و ۱/۵ میلیون نفر (۴/۳ درصد) را عشایر کوچ‌نشین تشکیل می‌دهند (ریاست اطلاعات و ارتباط عامه، ۱۴۰۲: ۳).

استان (ولایت) کابل با داشتن ۵/۷۶۶/۱۸۱ نفر بیشترین جمعیت را در سطح افغانستان دارد که از آن میان ۱/۰۰۸/۴۲۴ نفر آن را جوانان ۱۸-۳۰ سال تشکیل می‌دهد (ریاست اطلاعات و ارتباط عامه، ۱۴۰۲: ۱۱ و ۱۳). استان (ولایت) بامیان جمعیت ۵۲۲/۲۰۵ هزار نفری دارد که ۹۲/۱۸۳ هزار نفر آن را جوانان ۱۸-۳۰ سال تشکیل می‌دهد (ریاست اطلاعات و ارتباط عامه، ۱۴۰۲: ۴۱-۴۲). براساس آمار ارائه‌شده فوق، تعداد کل نمونه آماری این تحقیق بالغ بر ۱/۱۰۰/۶۰۷ نفر تعیین شده است.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از طریق پرسش‌نامه از روش توصیفی و استنباطی استفاده شده است. سپس اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده برای تجزیه و تحلیل وارد نرم‌افزار SPSS شد و از آزمون فریکونسی برای توصیف اطلاعات جمعیت‌شناختی، از آزمون رگرسیون خطی برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات استنباطی پژوهش، و از آزمون تی برای دریافت میانگین نمرات هر متغیر استفاده شده است.

## ۶. یافته‌های تحقیق

### جدول شماره ۱. توزیع فراوانی گروه‌های سنی

درصد	فراوانی	سن
۲۲/۵	۸۷	۱۸-۲۲
۲۹/۷	۱۱۵	۲۲-۲۶
۳۵/۴	۱۳۷	۲۶-۳۰
۱۲/۴	۴۸	بالای ۳۰
۱۰۰	۳۸۷	تعداد کل

براساس جدول شماره ۱، تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان ۸۷ نفر (۲۲/۵ درصد) آن در رده سنی ۱۸-۲۲ سال، ۱۱۵ نفر (۲۹/۷ درصد) در رده سنی ۲۶-۲۲ سال، ۱۳۷ نفر (۳۵/۴ درصد) در رده سنی ۳۰-۲۶ سال و ۴۸ نفر (۱۲/۴ درصد) در رده سنی بالای ۳۰ سال قرار دارند.

### جدول شماره ۲. توزیع فراوانی جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۲۵۵	۶۵/۹
زن	۱۳۲	۳۴/۱
تعداد کل	۳۸۷	۱۰۰

براساس جدول شماره ۲ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان ۲۵۵ نفر (۶۵/۹ درصد) مرد و ۱۳۲ نفر (۳۴/۱ درصد) زن جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

### جدول شماره ۳. توزیع فراوانی وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۲۷۲	۷۰/۳
متأهل	۱۱۵	۲۹/۷
تعداد کل	۳۸۷	۱۰۰

براساس جدول شماره ۳ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان ۲۷۲ نفر (۷۰/۳ درصد) مجرد و ۱۱۵ نفر (۲۹/۷ درصد) متأهل جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

### جدول شماره ۴. توزیع فراوانی سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
سواد خواندن و نوشتن	۳	۰/۸
سواد ابتدایی	۲	۰/۵
دیپلم	۹۷	۲۵/۱

درصد	فراوانی	سطح تحصیلات
۳/۴	۱۳	سواد حوزوی
۳۵/۹	۱۳۹	کارشناسی
۳۰/۵	۱۱۸	کارشناسی ارشد
۳/۹	۱۵	دکترا
۱۰۰	۳۸۷	تعداد کل

براساس جدول شماره ۴ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان سه نفر (۰/۸ درصد) سواد خواندن و نوشتن، ۲ نفر (۰/۵ درصد) سواد ابتدایی، ۹۷ نفر (۲۵/۱ درصد) دیپلم (فارغ صنف دوازدهم)، ۱۳ نفر (۳/۴ درصد) سواد حوزوی، ۱۳۹ نفر (۳۵/۹ درصد) کارشناسی (لیسانس)، ۱۱۸ نفر (۳۰/۵ درصد) کارشناسی ارشد و ۱۵ نفر (۳/۹ درصد) مدرک دکترا دارند.

#### جدول شماره ۵. توزیع فراوانی گروه‌های قومی (۱)

درصد	فراوانی	قومیت
۵/۲	۲۰	پشتون
۱۷/۷	۶۹	تاجیک
۵/۲	۲۰	ازبیک
۳۸/۸	۱۵۰	هزاره
۱/۶	۶	بیات
۱۹/۴	۷۵	سادات
۶/۵	۲۴	قزلباش
۵/۹	۲۳	سایر اقوام
۱۰۰	۳۸۷	تعداد کل

براساس جدول شماره ۵ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان ۲۰ نفر (۵/۳ درصد) از قوم پشتون، ۶۹ نفر (۱۷/۷ درصد) از قوم تاجیک، ۲۰ نفر (۵/۲ درصد) از قوم ازبیک، ۱۵۰ نفر (۳۸/۸ درصد) از قوم هزاره، ۶ نفر (۱/۶ درصد) از قوم بیات، ۷۵ نفر (۱۹/۴ درصد) از قوم سادات، ۲۴ نفر (۶/۵ درصد) از قوم قزلباش و ۲۳ نفر (۵/۹ درصد) از سایر

اقوام بوده‌اند که در جدول بعدی آمده‌اند.

### جدول شماره ۶. توزیع فراوانی گروه‌های قومی (۲)

اسم قوم	فراوانی	درصد
ترکمن	۳	۰/۸
بلوچ	۱۷	۴/۴
بی‌نام	۳	۰/۸
تعداد کل	۲۳	۱۰۰

براساس جدول شماره ۶ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۲۳ نفر بوده که از این میان ۳ نفر (۰/۸ درصد) از قوم ترکمن، ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) از قوم بلوچ بوده‌اند و ۳ نفر (۰/۸ درصد) نام قوم خود را بیان نکرده‌اند.

### جدول شماره ۷. توزیع فراوانی استان‌ها (ولایت)

استان (ولایت)	فراوانی	درصد
کابل	۲۵۴	۶۵/۶
بامیان	۱۳۳	۳۴/۴
تعداد کل	۳۸۷	۱۰۰

براساس جدول شماره ۷ تعداد کل افراد پاسخ‌دهنده ۳۸۷ نفر بوده که از این میان ۲۵۴ نفر (۶۵/۶ درصد) از استان (ولایت) کابل و ۱۳۳ نفر (۳۴/۴ درصد) از استان (ولایت) بامیان هستند.

### آمار استنباطی

#### جدول شماره ۸. ضریب همبستگی چندگانه

عامل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
ساختار سازمانی	۰/۴۳۳	۰/۱۸۸	۰/۱۸۵

همان‌طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه  $R=0/433$  و ضریب تعیین  $0/188$  است؛ بدین معنی که  $18/8$  درصد از تغییرات نمره هویت ملی از

روی نمره ارتباطات میان فرهنگی قابل تبیین خواهد بود.

### جدول شماره ۹. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

Sig	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۸۸/۹۰۱	۱۵/۰۹۵	۱	۱۵/۰۹۵	رگرسیونی
		۰/۱۷۰	۳۸۵	۶۵/۳۷۲	خطا
			۳۸۶	۸۰/۴۶۷	کل

در جدول شماره ۹ با توجه به مقدار آماره  $F=۸۸/۹۰۱$  با درجه آزادی (۱/۳۸۵) و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ و مقایسه این سطح معنی داری با ۰/۰۵ مشاهده می شود که متغیر ارتباطات میان فرهنگی روی هویت ملی تأثیرگذار است.

### جدول شماره ۱۰. ضرایب رگرسیونی

Sig	t	ضرایب استاندارد نشده		عامل
		ضرایب استاندارد شده	معیار خطا	
۰/۰۰۰	۹/۵۶۸	-	۰/۰۹۳	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۹/۴۲۹	۰/۴۳۳	۰/۰۴۶	ارتباطات میان فرهنگی

با توجه به جدول شماره ۱۰ ضرایب رگرسیونی مشاهده می شود با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان فرهنگی، نمره هویت ملی به اندازه ۰/۴۳۷ افزایش می یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان فرهنگی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن به تضعیف هویت ملی در بین جوانان افغانستان خواهد انجامید.

### جدول شماره ۱۱. ضریب همبستگی چندگانه

عامل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
ساختار سازمانی	۰/۰۷۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲

همان طور که در جدول شماره ۱۱ مشاهده می شود، ضریب همبستگی چندگانه  $R=۰/۰۷۱$  و

ضریب تعیین ۰/۰۰۵ است؛ بدین معنی که ۵/۰ درصد از تغییرات نمره هویت قومی از روی نمره ارتباطات میان فرهنگی قابل تبیین خواهد بود.

### جدول شماره ۱۲. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

Sig	F	اماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۱۶۲	۱/۹۵۹		۰/۵۳۲	۱	۰/۵۳۲	رگرسیونی
			۰/۲۷۱	۳۸۵	۱۰۴/۵۰۳	خطا
				۳۸۶	۱۰۵/۰۳۵	کل

در جدول شماره ۱۲ با توجه به مقدار آماره  $F=1/959$  با درجه آزادی (۱/۳۸۵) و سطح معنی داری ۰/۱۶۲ و مقایسه این سطح معنی داری با ۰/۰۵ مشاهده می شود که ارتباطات میان فرهنگی روی هویت قومی تأثیرگذار نیست.

### جدول شماره ۱۳. ضرایب رگرسیونی

Sig	t	ضرایب استاندارد نشده		عامل
		ضرایب استاندارد شده	معیار خطا	
۰/۰۰۰	۱۸/۶۷۰	-	۰/۱۱۷	عرض از مبدأ
۰/۱۶۲	۱/۴۰۰	۰/۰۷۱	۰/۰۵۹	ارتباطات میان فرهنگی

با توجه به جدول شماره ۱۳ ضرایب رگرسیونی مشاهده می شود با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان فرهنگی، نمره هویت قومی تنها به اندازه ۰/۰۸۲ افزایش می یابد و برعکس. به عبارت دیگر ارتباطات میان فرهنگی سبب تقویت هویت قومی نخواهد شد.

### جدول شماره ۱۴. ضریب همبستگی چندگانه

عامل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
ساختار سازمانی	۰/۱۵۰	۰/۰۲۳	۰/۰۲۰

همان طور که در جدول شماره ۱۴ مشاهده می شود، ضریب همبستگی چندگانه  $R=0/150$  و ضریب تعیین ۰/۰۲۳ است؛ بدین معنی که ۲/۳ درصد از تغییرات نمره

هویت ملی از روی نمرهٔ هویت قومی قابل تبیین خواهد بود.

### جدول شماره ۱۵. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

Sig	آماره F	میانگین مربعات	درجهٔ آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۰۰۳	۸/۸۸۲	۱/۸۱۴	۱	۱/۸۱۴	رگرسیونی
		۰/۲۰۴	۳۸۵	۷۸/۶۵۳	خطا
			۳۸۶	۸۰/۴۶۷	کل

جدول (۱۵) با توجه به مقدار آماره  $F=۸/۸۸۲$  با درجهٔ آزادی (۱/۳۸۵) و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۳ و مقایسهٔ این سطح معنی‌داری با ۰/۰۵ مشاهده می‌شود هویت قومی روی هویت ملی تأثیرگذار است.

### جدول شماره ۱۶. ضرایب رگرسیونی

Sig	t	ضرایب استاندارد نشده		عامل
		ضرایب استاندارد شده	معیار خطا	
۰/۰۰۰	۱۳/۴۸۲	-	۰/۱۰۶	عرض از مبدأ
۰/۰۰۳	۲/۹۸۰	۰/۱۵۰	۰/۰۴۴	هویت قومی

با توجه به جدول شماره ۱۶ ضرایب رگرسیونی مشاهده می‌شود با افزایش یک واحد در نمرهٔ هویت قومی نمرهٔ هویت ملی به اندازهٔ ۰/۱۳۱ افزایش می‌یابد و بالعکس. به عبارت دیگر تقویت هویت قومی باعث تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن باعث تضعیف هویت ملی در بین جوانان شهرهای کابل و بامیان خواهد شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی رابطهٔ درهم‌تنیده‌ای است که با افزایش یکی از آنها دیگری هم افزایش پیدا می‌کند؛ از این رو مطالعه و بررسی این موضوع در جوامعی که دارای روابط پیچیدهٔ فرهنگی و اجتماعی هستند از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است. این

روابط در اکثر جوامع سبب وفاق و اجماع ملی و گاهی سبب بروز اختلاف میان افراد بعضی جوامع شده است. برای پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های فریکونسی و رگرسیون خطی و همچنین آزمون تی با بهره‌گیری از اطلاعات جمع‌آوری‌شده توسط پرسش‌نامه، اقدام شد. هر کدام از پرسش‌ها در این پژوهش دربرگیرنده یک متغیر است که در ادامه به ترتیب به هر کدام از آن‌ها پاسخ داده شده است.

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش که چه رابطه‌ای بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت ملی وجود دارد؟ از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت ملی به اندازه  $0/437$  افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن به تضعیف هویت ملی بین جوانان شهرهای کابل و بامیان خواهد انجامید. همچنین برای پاسخ به این پرسش میان دو شهر اختلاف چندانی وجود ندارد. نتایج نشان می‌دهد میان ارتباطات میان‌فرهنگی با هویت ملی در کابل رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت ملی افراد در استان کابل به اندازه  $0/456$  افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن به تضعیف هویت ملی در بین جوانان شهر کابل خواهد انجامید. در استان بامیان نیز رابطه بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت ملی معنادار بوده؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت ملی به اندازه  $0/386$  افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن باعث تضعیف هویت ملی در بین جوانان شهر بامیان خواهد شد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش که چه رابطه‌ای بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت قومی

جوانان استان‌های کابل و بامیان وجود دارد؟ از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است که نشان می‌دهد میان ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت قومی رابطه معناداری وجود ندارد یا به عبارت دیگر ارتباطات میان‌فرهنگی بر هویت قومی جوانان شهرهای کابل و بامیان تأثیرگذار نیست. همچنین می‌توان گفت با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت قومی به اندازه ۰/۰۸۲ افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت قومی نخواهد شد. همچنین برای پاسخ به این پرسش ناظر به دو استان می‌توان گفت رابطه بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت قومی معکوس بوده؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت قومی به اندازه ۰/۰۴۶ تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت قومی نخواهد شد و تضعیف آن سبب تضعیف هویت قومی بین جوانان استان کابل نخواهد شد. رابطه بین ارتباطات میان‌فرهنگی و هویت قومی در بامیان معنادار است؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره ارتباطات میان‌فرهنگی نمره هویت قومی به اندازه ۰/۱۹۰ افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت ارتباطات میان‌فرهنگی سبب تقویت هویت قومی خواهد شد و تضعیف آن موجب تضعیف هویت قومی بین جوانان شهر بامیان خواهد شد.

برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش که چه رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی جوانان شهرهای کابل و بامیان وجود دارد؟ از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج نشان‌دهنده آن است که بین هویت قومی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هویت قومی بر هویت ملی جوانان استان‌های مورد مطالعه اثرگذار است. همچنین می‌توان گفت با افزایش یک واحد در نمره هویت قومی نمره هویت ملی به اندازه ۰/۱۳۱ افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت هویت قومی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن به تضعیف هویت ملی بین جوانان شهرهای کابل و بامیان خواهد انجامید. برای این پرسش

پاسخ‌های معطوف به استان‌ها نیز ارائه شده است که طبق آن رابطه بین هویت قومی و هویت ملی بین جوانان استان کابل معنادار بوده است؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره هویت قومی نمره هویت ملی به اندازه ۰/۱۱۱ افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت هویت قومی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن سبب تضعیف هویت ملی بین جوانان استان کابل خواهد شد. در استان بامیان نیز رابطه بین هویت قومی و هویت ملی معنادار بوده؛ یعنی با افزایش یک واحد در نمره هویت قومی نمره هویت ملی به اندازه ۰/۱۶۳ افزایش می‌یابد و برعکس. به عبارت دیگر تقویت هویت قومی سبب تقویت هویت ملی خواهد شد و تضعیف آن به تضعیف هویت ملی بین جوانان استان بامیان خواهد انجامید.

در راستای پاسخ به پرسش چهارم که ارتباطات میان‌فرهنگی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟ از آزمون تی که نشان‌دهنده میانگین نمرات ارتباطات میان‌فرهنگی در هر استان (ولایت) است استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین ارتباطات میان‌فرهنگی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان اختلاف معنی‌داری وجود ندارد.

برای ارائه پاسخ به پرسش پنجم پژوهش که هویت ملی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟ از آزمون تی استفاده شد که نشان‌دهنده میانگین نمرات هویت ملی بین جوانان استان‌های کابل و بامیان است. نتایج آزمون بر آن است که بین میانگین نمرات هویت ملی در استان‌های مورد مطالعه اختلاف معنی‌داری وجود ندارد؛ یعنی نمرات هویت ملی بین جوانان استان‌های کابل و بامیان یکسان بوده است.

در رابطه با پاسخ به پرسش ششم پژوهش که هویت قومی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان چگونه است؟ استفاده از آزمون تی برای تعیین میانگین نمرات هویت قومی بین جوانان استان‌های (ولایت) بامیان آن است که هویت قومی بین جوانان استان‌های (ولایت) کابل و بامیان دارای اختلاف معنی‌داری است؛ یعنی نمرات هویت قومی جوانان استان کابل با

نمرات هویت قومی جوانان استان بامیان با هم یکسان نبوده و دارای اختلاف هستند. با توجه به هدف و سؤال اصلی پژوهش که عبارت از بررسی نسبت ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی در میان جوانان شهرهای کابل و بامیان است می‌توان از یافته‌های پژوهش حاضر چنین نتیجه گرفت که ارتباطات میان فرهنگی باعث تقویت هویت ملی در میان جوانان شهرهای مورد مطالعه می‌شود؛ یعنی رابطه بین متغیرهای ارتباطات میان فرهنگی و هویت ملی رابطه‌ای مستقیم بوده و با افزایش یکی از آن‌ها دیگری نیز افزایش می‌یابد. همچنین متغیر ارتباطات میان فرهنگی با هویت قومی رابطه معکوس دارد یعنی با افزایش نمره ارتباطات میان فرهنگی، نمره هویت قومی تضعیف می‌شود. هویت قومی با متغیر هویت ملی رابطه معناداری دارد یعنی با تقویت هویت قومی، هویت ملی جوانان استان‌های کابل و بامیان افزایش خواهد یافت. یا به عبارت دیگر هویت قومی بالا روی هویت ملی جوانان استان‌های کابل و بامیان تأثیرگذار است. به صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت رابطه ارتباطات میان فرهنگی با هویت ملی در میان جوانان استان‌های کابل و بامیان رابطه‌ای موازی به هم است؛ یعنی یکی بر دیگری اثرگذار است.

## فهرست منابع

- ادامز، بریجت؛ دیوید، گیل (۱۳۸۴). *الغباى ارتباطات*. ترجمه مهراڻ مهار و رامین کریمیان، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- بخشایش، مرتضی و همکاران (۱۳۹۰). «گرایش به هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن». *مهندسی فرهنگی*، سال ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، شماره ۶۱ و ۶۲.
- توانا، علی (۱۳۹۸). «هویت‌های قومی و بحران هویت ملی در عصر جهانی‌شدن با تأکید موردی افغانستان». *هفته‌نامه جاده ابریشم*، شماره ۶۸، صص ۱۷-۱۳.
- حسنی، محمدباقر (۱۳۹۹). *بحران هویت ملی در افغانستان و تأثیر آن بر سیاست خارجی آن کشور*، مشهد: مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی.
- دادگران، سید محمد (۱۳۹۶). *مبانی ارتباطات جمعی*، تهران: انتشارات فیروزه.
- دارابی، علی (۱۳۹۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ارتباطات، فرهنگ و رسانه*. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.
- ریاست اطلاعات و ارتباط عامه (۱۴۰۲). *برآورد نفوس کشور*. کابل: اداره ملی احصائیه و معلومات.
- شاد، فاطمه؛ اسماعیلی، علیرضا؛ حسن‌زاده، عیسی (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر هویت ملی بر سبک زندگی در شهر بجنورد». *ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، صص ۳۳۶۸-۳۳۵۵.
- غفاری‌نسب، اسفندیار؛ مساوات، سید ابراهیم؛ قاسمی‌نژاد، محمدعلی؛ علایی، احمد (۱۳۹۵). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر هویت ملی (مطالعه موردی: شهروندان پانزده سال به بالای شهر اقلید)». *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۴ (۴)، صص ۳۵-۹.
- فاضلی، عبدالعلی (۱۳۹۶). *ارتباطات میان‌فرهنگی قوم هزاره و تاجیک در افغانستان*. مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، صص ۱-۱۴۵.
- رضایی قادی، خدیجه (۱۳۹۸). *بازخوانی مفهوم هویت در رویکردهای نظری*. (دفتر انتشارات و فناوری آموزشی).

دریافت شده از وزارت آموزش و پرورش: <https://www.roshdmag.ir/fa/article/23326>

قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری»، *مطالعات ملی*، ۵ (۲ (۱۸))، صص ۸۶-۶۳.

SID. <https://sid.ir/paper/88932/fa>

کوش، دنی (۱۳۸۱). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. ترجمه: فرزانه وحیدا. تهران: انتشارات سروش.  
گوررو، آنا لئون (۱۳۹۸). *مسائل اجتماعی (اجتماع، سیاست و کنش اجتماعی)*. ترجمه: علی خرمی. تهران: انتشارات اندیشه احسان.

محسنی، منوچهر (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: طهوری.

مساوات، سید ابراهیم؛ غفاری‌نسب، اسفندیار؛ پویا، محمدشریف؛ قاسمی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۷). «هویت قومی و هویت ملی در افغانستان (مورد مطالعه دانشجویان تعلیم و تربیه کابل)». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۶ (۲)، صص ۸۶-۵۹.

محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی (چاپ هفتم)*. تهران: انتشارات سروش.

مسعودنیا، حسین؛ مهربابی کوشکی، راضیه؛ کیانی، ناهید (۱۳۹۳). «بررسی رابطه هویت کلی و قومی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۲ (۳)، صص ۱۶۵-۱۳۹.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵). *وسایل ارتباط جمعی (چاپ هفتم)*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

هزاره، عزیزه الله (۱۳۹۷). *مطالعات ارتباطات میان‌فرهنگی اقوام هزاره و پشتون*. مؤسسه عالی علوم انسانی. هورن، برایان جی؛ تومالین، باری (۱۴۰۰). *ارتباطات میان‌فرهنگی: نظریه و کاربرد*. ترجمه محمدحسین شجاعی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

یازرلو، رضا؛ سوسرایی، بتول (۱۳۹۹). «بررسی رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه نظری شهرستان گنبد کاووس». *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱ (۱۴)، صص ۵۰-۳۶.

Barbara, C., & Brabara, S. (1986). *improving communication in the library*. Arizona: ORYX Press.

Hofstede, G. (1980). "Culture and Organizations". *International Studies of*

- Management & Organization*, 4(10), pp. 15-42.
- Hofstede, G. (2011). "Dimensionalizing Cultures: The Hofstede Model in context". *Online reading in psychology and Culture*, 1(2), pp. 493-504.
- McSweeney, B. (2002). "The Essentials of Scholarship: A reply to Geert Hofstede". *Human Relations*, 55(11), pp. 1363-1372.
- Sabatier, C. (2008). "Ethnic and national identity among second-generation immigrant adolescents in France: the role of social context and family". *Journal of Adolescence*, 31(2), pp. 185-205.
- Samovar, Larry A.; Richard E. Porter (1994). *Intercultural Communication: A Belmont, Wadsworth*.